



تاکید رهبر انقلاب بر رفع یک معضل ۱۲ ساله در قانونگذاری حوزه زنان

گره لایحه امنیت زنان در حسینیه امام خمینی باز شد



زهرا طیبی خبرنگار گروه نقد روز

روز گذشته و در دیدار جمعی از بانوان با رهبر انقلاب، در میان صحبت‌ها و اظهارات مختلف سخنرانان، پای ماجرای تصویب لایحه ارتقای امنیت بانوان نیز در جلسه باز شد. بعد از اشاره یکی از سخنرانان جلسه به موضوع به نتیجه نرسیدن لایحه ارتقای امنیت رهبر انقلاب تاکید کردند: «این قانون باید دنبال شود و ما هم سفارش می‌کنیم تا مجازات سختی برای مردانی که محیط خانه را برای زن ناامن می‌کنند، در نظر گرفته شود.» کلیات لایحه ارتقای امنیت زنان، فروردین ماه امسال بود که تصویب شد. ضرورت پرداخت به موضوعات مورد اشاره در لایحه و اهمیت تبدیل آن به قانون چند سالی بود که مورد توجه قرار داشت اما به دلایل مختلف و در میان دولت، مجلس و قوه قضائیه در رفت‌وآمد بود و نتیجه مشخصی نیز به همراه نداشت.

استارت تنظیم قانون برای حمایت از زنان

در فضای عمومی جامعه وقتی اخباری درباره بروز خشونت علیه زنان و قتل‌هایی به اسم قتل‌های ناموسی منتشر می‌شود، آنچه به عنوان مجازات برای محکومان در نظر گرفته می‌شود چندان کافی به نظر نمی‌رسد. عدم بازدارندگی کافی قانون برای جلوگیری از تکرار خشونت‌هایی که علیه زنان اتفاق می‌افتد همواره این موضوع را مورد توجه قرار می‌دهد که نیاز است در این زمینه بازنگری دقیقی در اعمال مجازات‌ها در نظر گرفته شود. لزوم اصلاح این قانون نیز برای اولین بار از جانب رهبر انقلاب مطرح شد. در سال ۹۰ در جریان برگزاری نشست اندیشه‌ای راهبردی و بعد از طرح مسائل مربوط به آسیب‌های اجتماعی رهبر انقلاب لزوم ایجاد یک قانون درخصوص ظلم به زنان را مطرح کردند، دولت دهم نیز بعد از این متن لایحه را در آذر ۹۱ به کمیسیون فرهنگی اجتماعی دولت داد تا سال بعد در اختیار دولت جدید قرار بگیرد. این موضوع در ماده ۲۲۷ قانون برنامه پنجم توسعه نیز آمده و اشاره کرده بود: «دولت نسبت به تهیه و تدوین «سند ملی امنیت بانوان و کودکان در روابط اجتماعی» با مشارکت و برنامه‌ریزی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضائیه، سازمان بهزیستی کشور، شهرداری، وزارت کشور، شورای عالی استان‌ها، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و کار و امور اجتماعی توسط دولت در طول سال‌های برنامه اقدام قانونی به عمل آورد.»

برهمنین مینا معاون زنان دولت یازدهم به دنبال اجرایی‌سازی این ماده و تقویت آن بود، حتی پیشنهاد ایجاد مرجع ملی خشونت برای رسیدگی به سوءرفتارها در دولت نیز مطرح شد اما به دلیل اینکه ابعاد ماجرا حقوقی بود رسیدگی به جزئیات آن و تدوین دقیق آن، به قوه قضائیه سپرده شد. پیش‌نویس ارسالی دولتی‌ها به قوه قضائیه نیز تا سال ۹۷ مسکوت ماند و بعد از تغییر رئیس قوه قضائیه، این موضوع مجدداً در دستور کار قرار گرفت. رئیس‌ی یک سال بعد پیش‌نویس این لایحه را به دولت ارسال کرد. این پیش‌نویس نیز یک سال در دولت معطل ماند. اما بعد از اینکه ماجرای قتل روینا اشرفی توسط پدرش در سال ۹۹ واکنش‌های زیادی به همراه داشت بار دیگر مورد توجه دولت قرار گرفت و بالاخره در دی ماه ۹۹ لایحه دولت به مجلس ارسال شد و کمیسیون اجتماعی مجلس به بررسی آن پرداخت.

از سال ۹۰ تا فروردین ۱۴۰۲ لایحه با تغییرات و تحولات زیادی همراه بود. نهایتاً در بهمن ماه ۱۴۰۱ اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس لایحه‌ای با عنوان «پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوء رفتار» تصویب کردند و لایحه منتظر بررسی در صحن علنی ماند. کلیات این لایحه نهایتاً در فروردین امسال به تصویب رسید تا بالاخره بعد از ۱۲ سال بلاتکلیفی لایحه به تصویب مجلسی‌ها برسد که ضرورت پرداخت به این موضوع در جلسه روز گذشته بهیژی، دوباره مورد تاکید و اشاره قرار گرفت.

دوباره اظهارات محمدباقر نوبخت

حکمرانی با شعار دیگر ممکن نیست، لطفا به عقب برگردید



سیدجواد تقوی خبرنگار گروه ایده حکمرانی

محمدباقر نوبخت در آخرین مصاحبه خود با مجله «آگاهی نو» مدعی شده نباید اجازه داد کشور به دست تندروها اداره شود و حضور خود در انتخابات پیش‌رو را جلوگیری از این خطر اعلام کرده است. همین جمله خود نشانگر استراتژی تکراری است که ظاهراً جناب نوبخت و حزب اعتدال دنبال می‌کنند، یعنی به جای آنکه پرسش‌های کلیدی حکمرانی را بتوانند پاسخ دهند، سعی می‌کنند با دیگر‌سازی از قبیل خود، مجدداً نقطه مبثی برای خود خلق کنند. این استراتژی یادآور همان فرمی است که اعتدالیون در سال‌های ۹۲ و ۹۶ طی کردند و ماحصل آن دولتی شد که سال به سال نتوانایی خود را از دست داد و نتوانست مساله‌های مهم را حل کند و دست‌آخر با خلق بحران بنزین و مدیریت بد کرونا و تورم وسیع و ایجاد شرایط بد، اعتماد اجتماعی را به نهاد دولت کم کرد و حتی بعد از ۸ سال حضور در دولت نتوانست هیچ عملکرد مثبتی در اصلاح مفید ساختار حکمرانی شکل دهد و صرفاً سعی کرد به صورت اقتضایی دولت را مدیریت کند که نتیجه آن هم به شکل بیشترین سیاست‌زدایی از سطح جامعه دیده شد. شاید دولت اعتدال یکی از مهم‌ترین علت‌های سیاست‌زدایی در جامعه و عدم رابطه اجتماعی بین مردم با نهاد دولت باشد اما ظاهراً جناب نوبخت از آن ۸ سال درس نگرفته و حالا با همان چهارچوب فکری مجدداً به عرصه قدرت، یعنی مجلس نزدیک می‌شود. این لحظه ظاهراً یک عقبگرد است؛ چراکه دوگانه تندرو و معتدل دیگر معنی ندارد. حکمرانی در جهان و ایضا ایران ثابت کرده با شعار قابل اداره نیست و آنچه این روزها نیاز مبرم حکمرانی است، حضور نیروهای اقل در دیگر دو قاب‌های تکراری دهه ۹۰ فکر نکنند و سعی نکنند با ساده‌سازی که مثلاً اگر تندروها در قدرت نباشند، مسائل حل می‌شود برای

خود خلق معنا کنند. این طرز فکر از صحنه سیاسی و سخت این دوره کشور ما شبیه به درمان سرطان با چسب زخم است و از همین لحظه مشخص است غایت چنین تفکری چیست، ما در شرایط فعلی پرسش‌های به شدت سختی در پیش داریم که مجلس آینده حتماً باید به آنها فکر کند. این پرسش‌ها چند خاصیت دارد که اصلی‌ترین آن در دوگانه‌های منسوخ جناحی نمی‌گنجد.

هرچند قصد ندارم در این باره پاداشت به تک‌تک مسائل کلیدی حکمرانی بپردازم اما به نظر می‌رسد در شرایط فعلی که دنیا با بحران سیاست‌ورزی و ارتباط با جامعه روبه‌رو است و ایران هم باتوجه به شرایط جهانی و بحران‌هایی مثل دوره بعد کرونا و ایضا بعد از چند شوک‌درمانی ناموفق که یکی از سخت‌ترین آنها هم در دولتی بوده که خود نوبخت مسئول برنامه و بودجه آن بوده است، پاسخ به این پرسش که چگونه باید حکمرانی کرد که مجدداً بتوان سیاست را در صحنه سپهر عمومی دنبال کرد و جامعه را نه در وضعیت پوپولیستی و نه در وضعیت استیلاگری اداره کرد و آیا مجدداً می‌توان به افقی بازگشت که مردم و حکمرانی دوپال پوشش‌دهنده برای طرح‌فردای ایران شوند، یکی از کلیدی‌ترین پرسش‌های پیش‌روی آینده مجلس است و پاسخ به آن نیاز به ایده حکمرانی باتوجه به دوره فعلی دارد، نه با تولید گفتاری مثل تندرو و معتدل. چون جامعه متکثر فعلی در بسیاری از موارد همان ایده‌هایی که جناب نوبخت تندروی قلمداد می‌کند را ایده‌های مطلوب می‌داند و صرفاً برچسب تندرو مشکلات را حل نمی‌کند، آنچه اهمیت دارد بحث درباره ایده‌ای است که بتواند جامعه را از مسیر دوقطبی‌های کاذب خلاص کند و بتواند طرحی برای سرنوشت ایران با هم‌کاری جامعه شکل دهد.

آنچه از گفتار فعلی حزب اعتدال و جناب نوبخت مشخص است، ادامه همان مسیری است که در دهه ۹۰ با شکست روبه‌رو شد. تصویری که سیاستمدار در بین کارآمدی و خدمت‌رسانی و شکلی از پرستیژ خاص برای احیای طبقه

به خانواده یا فمینیستی بودن لایحه تصویب‌شده توسط نمایندگان مجلس بود، موضوعی که با واکنش معاونت رئیس‌جمهور در امور زنان همراه شد و درمورد لایحه‌گفت: «برخی این‌گونه شایعه می‌کنند که این لایحه و قانونی شدن آن سبب آسیب به خانواده می‌شود، ولی باید توجه کرد که نه‌تنها این لایحه و قانونی شدن آن سبب آسیب به خانواده نمی‌شود بلکه قوام خانواده را هم به همراه دارد.» خزعلی البته به این موضوع اشاره می‌کند که این لایحه تنها جهت جرم‌انگاری ندارد و ادامه داد: «در این راستا کار پژوهشی مفصلی شده است و این لایحه سندهای پشتیبان خیلی قوی دارد. این لایحه در همه بندها و مواد خود سندهای قوی دارد و همه دستگاه‌ها را مشارکت داده است. این‌گونه نیست که این لایحه فقط بحث قضائی و جرم‌انگاری داشته باشد، بلکه می‌خواهد در ابتدا پیشگیری و درمان انجام داده و مانع آسیب شود و سپس اگر به مرحله درمان رسید و درمان جواب نداد به‌صورت قضائی و کیفری با مسائل برخورد کند.» فاطمه قاسم‌پور، نیز ناظر به الزامات تصویب‌تدوین لایحه گفت: «سنت‌های غلطی مثل خون‌پس، ازدواج اجباری و قتل ناموسی که البته منحصر به نقاط خاص کشور نیستند، ولی بعضی جاها بیشتر اتفاق می‌افتند، در لایحه جرم‌انگاری یا تشدید مجازات شده بود. اتفاقاً این سنت‌های غلط در گفتن حضرت آقا هم بحثی جدی بوده است و ایشان بحث ازدواج اجباری را سال ۱۳۷۶ مطرح کرده‌اند. با بحث‌های عمومی‌تر مثل تامین امنیت زنان در خانه، خشونت خانگی یا سوءرفتار فیزیکی با زنان، یا تامین امنیت زنان در محیط‌های اداری. هم در لایحه و هم در فرآیند بررسی لایحه در کمیسیون اجتماعی مجلس تلاش‌ها در این جهت بود که حتماً این مصداق ملی و منطقه‌ای در آن آورده شود.» فاطمه قاسم‌پور، رئیس کمیته آسیب‌های اجتماعی مجلس هم درباره نقد‌ها براین مینا که این لایحه به نهاد خانواده آسیب می‌زند، گفت: «قرار نیست نگاه حمایتی ما به‌گونه‌ای باشد که نقش‌های جنسیتی زن یا خانواده‌محوری را مخدش کند یا در تعارض با این نقش‌ها قرار بگیرد. این یک نکته مهم است که لایحه به‌طور جدی دنبال می‌کند.» درمورد لایحه ارتقای امنیت نوعی اتفاق نظر میان دولت و مجلس درباره این لایحه وجود دارد، موضوعی که این انتظار را به وجود

می‌آورد که لایحه با سرعت بیشتری به نتیجه برسد. از طرفی حمایت روز گذشته رهبر انقلاب از قانونی شدن این لایحه نیز مهر تاییدی بر تلاش‌های دولت و مجلس برای نهایی کردن این لایحه بود.

لایحه ارتقای امنیت به کجا رسید؟

لایحه تصویب‌شده در مجلس نیز بعد از تحویل دولت به بهارستان با تغییر و تحولات زیادی همراه شد و نسخه نهایی آن در ۲۰ فروردین ۱۴۰۲ با رای موافق ۱۹۰ نفر از نمایندگان مجلس تصویب شد. لایحه اما مخالفانی نیز داشت که استدلال برخی از آنها ناظر به این بود که بندهای موجود در لایحه نباید خانواده را به سمت دوقطبی‌سازی ببرد، برخی دیگر این استدلال را مطرح می‌کردند که سهولت طلاق گرفتن به خاطر یک خشونت اندک قابل پذیرش نیست. نهایتاً بعد از تصویب مجلس قرار شد که برخی جزئیات لایحه برای بررسی بیشتر به کمیسیون اجتماعی مجلس ارجاع و با حضور کمیسیون‌های آموزش حقوقی، فرهنگ و بهداشت مجدداً بررسی شود. از آن زمان تا امروز اما خبری از بررسی جزئیات و پیگیری لایحه ارتقای امنیت زنان نیست. سکنیه سادات پاد، دبستیار رئیس‌جمهور نیز روز گذشته و بعد از جلسه رهبر انقلاب با بانوان از ارسال نامه‌ای خطاب به رئیس مجلس و بهارستانی‌ها برای پیگیری لایحه ارتقای امنیت گفت و در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «پیرو نامه‌ای مبنی بر تسریع در تصویب لایحه کرامت زنان که پیش‌تر خطاب به رئیس مجلس و نمایندگان، و به‌ویژه خانم‌های نماینده ارسال کرده بودیم و براساس تاکید و تایید رهبر انقلاب بر این ضرورت، مجلس بدون ملاحظه و فوت وقت، لایحه را تعیین تکلیف کند.» در حال حاضر اما بعد از تصویب کلیات لایحه، بررسی جزئیات آن در نوبت دستور کار صحن قرار دارد تا مجدداً به صحن علنی بیاید و نهایی شود، امری که مشخص نیست به عمر مجلس یازدهم خواهد رسید یا نه؟ با این حال اما تاکید رهبر انقلاب در پیگیری و اجرای این لایحه بار دیگر ضرورت به نتیجه رساندن لایحه ارتقای امنیت را مورد توجه قرار داده تا اقدامات نهایی برای به نتیجه رساندن راه تاتمام ۱۲ ساله درباره این لایحه را به انتها برساند.

متوسط به رتوریک روی آورده است و این گفتار تک‌تک واژگانی که به کار می‌برد یا تخریب شده یا دیگر کارکرد قبلی را ندارد و اگر از سنخ تبارشناسی به آن نگاه کنیم حتی نوعی عقبگرد است که اتفاقاً اگر عملی اشتباه قلمداد نشود، چندان عمل مترقی و معتدلی تفسیر نمی‌شود. به‌طور مثال در کشور ما همه دولت‌ها و علی‌الخصوص دولت فعلی در تلاش هستند بیشترین کارآمدی را ایجاد کنند اما آنچه مشخص است ظاهراً جامعه صرفاً نیاز‌هایش را به کارآمدی و در پس آن نوعی خدمت‌رسانی خلاصه نمی‌کند. جامعه ظاهراً افقی را طلب می‌کند که در پس ساخت فردای ایران باید هم‌سرنوشت شود با حکمرانی و حکومت و از حکمرانی طلب ایده‌ای دارد که طرخی را دنبال کند که زندگی او در آن معنا پیدا کند و غایت زندگی در چنین شرایطی هم طرخی باشد که آینده جامعه را دگرگون کند و محصول این هم‌افزایی ساخت آینده باشد. آنچه جناب نوبخت مدام به آن تکیه می‌کند نوعی عقبگرد است و حاصل فهمی از وضعیت است که سوزه‌ها در پس نوعی حکمرانی خدمت‌رسانی و لزوم توجه به نوعی از مطالبه‌گری هستند، حال آنکه چنین تفکری اصلاً در این مقطع کمک‌کننده نیست و بیشتر اقتضایی است. مورد دیگری که به شدت عجیب است تاکید مجدد گفتاری است که تصور می‌کند مثلاً دوگانه تندرو و طبقه متوسط که در دهه ۹۰ جواب داده است، بار دیگر می‌تواند راه‌حل موجود باشد، درحالی‌که شوک‌های اقتصادی و تغییرات پرسرعت فرهنگی در سال‌های اخیر دیگر طبقه متوسط به معنای کلاسیک که مدنظر جناب نوبخت است، باقی نگذاشته است و بیشتر می‌توان گفت ما با اشکالی از طبقات روبه‌رو هستیم که جایی با ایده طبقه متوسط شهری دهه ۸۰+ جایی دیگر با نوعی فرهنگ طبقه متوسط دهه ۹۰ هم عرضی دارد و دیگر مثل سابق یک طبقه متوسط اقتصادی با خاستگاه فرهنگی مشخصی جزود ندارد و این مساله به قدری واضح است که خود به یکی از پرسش‌های حیاتی هر سیاستمداری باید تبدیل شود، نه

به ساده‌سازی که جناب نوبخت تصور می‌کند که با احیای طبقه متوسط و پاسخ به نیازهای فرهنگی آن، می‌توان افقی تازه ایجاد کرد. برای خاتمه بحث لازم است به آخرین سخنرانی جک سالیوان، مشاور امنیت ملی آمریکا در اندیشه‌که روزیکه که ما در روزنامه «فرهیختگان» با نام وتوی بازار آن را تحلیل و بررسی کردیم، توجه کنیم. سالیوان در بحث مفصل خود بیش از آنکه آینده آمریکا را در خطر دیگری قلمداد کند یا از گروه خاصی نام ببرد، یکی از مسائل قدرتمندی آمریکا را در آینده داشتن طرحی می‌داند که طبقه متوسط را مجدداً به هم‌افزایی با حکمرانی امیدوار کند. او بدون تقلیل‌گرایی طرح اصلی آمریکا و عدم دخالت در سیطره بازار با بحران اصلی آمریکا در آینده می‌داند. خب واضح است که جک سالیوان از یک دخالت یا یک برنامه سیاسی در سطح سیاستگذاری بحث نمی‌کند، او کلان‌ایده اقتصادی آمریکا که شکلی از نظم آمریکا در طول ۵۰ سال اخیر است را به چالش می‌کشد و معتقد است دیگر نظم پیشین کار نمی‌کند. این مثال از دو جهت برای نوبخت باید با اهمیت باشد. ابتدا از آنجا که طرح‌هایی که جناب نوبخت از منظر اقتصادی قرار است دنبال‌کنند، حلال‌در سطح جهانی دیگری بندها هستند و این بحث از مشاوران امنیت ملی آمریکا است که تفکر چپ دارد، نه‌کنیزی و بلکه در واقع از نوعی ژئال‌پاتیک بحث می‌کند. این اولین درس به جناب نوبخت است که عقبگرد نکند. درس بعدی که مهم‌ترین درس است، عدم فوکاست طرحی برای آینده است که جک سالیوان برای ایرقدتزی آمریکا و ماندن در حلقه اصلی قدرت و تصمیم‌گیر نهایی، نه‌تنها مهم‌ترین استراتژی آمریکا یعنی نظم بازار را زیر سوال می‌برد، بلکه سعی دارد بگوید جهان آینده جهانی براساس یکی‌سری از پیش‌فرض‌های ثابت در حکمرانی نیست. امیدوارم جناب نوبخت در آینده دست از گمراهی که هیچ خروجی برای ایران و جامعه نداشته، بردارد و به جای دعوا در سطح زبانی به عمق مشکلات حکمرانی فکر کند.